

این حاشیه‌ها بوی جرم می‌دهد



خانه‌های سست و لرزان، خشتی یا حلبی، دیوارهای نمور و تاریک، سقف‌های ترک برداشته و پتوهای که نقش در را برای ورودی این بظاهر خانه‌ها ایفا می‌کند و حریم خصوصی ساکنان این خانه‌ها را از هم جدا کرده، تمام سهم آلونک‌نشین‌ها از زندگی شهری است.

جام جم آنلاین: خانه‌های سست و لرزان، خشتی یا حلبی، دیوارهای نمور و تاریک، سقف‌های ترک برداشته و پتوهای که نقش در را برای ورودی این بظاهر خانه‌ها ایفا می‌کند و حریم خصوصی ساکنان این خانه‌ها را از هم جدا کرده، تمام سهم آلونک‌نشین‌ها از زندگی شهری است.

زنانی که کنار برکه آب سیاه و متعفن‌ی که آن نزدیکی است، ظرف و رخت و لباس‌شان را می‌شویند، کودکانی که میان گل و لای روزهای بارانی و خاک و خل روزهای آفتابی در هم می‌لولند و پابره‌نه در میان این آلونک‌ها شادمانه جست‌وخیز می‌کنند، یکی از همسایه‌ها از سابقه دارهای خرید و فروش مواد مخدر است، پسران جوان خانواده دیگری بارها به جرم شرارت و مزاحمت دستگیر شده‌اند، مرد خانواده‌ای در شهر دور افتاده دیگری کارگری می‌کند و گاه تا ماه‌ها سراگی از همسر و فرزندانش نمی‌گیرد و... همه آنها محکوم به زندگی حاشیه‌نشینی هستند.

اینجا از زرق و برق زندگی شهری، امکانات، آسایش و رفاه، بهداشت و حتی امنیت خبری نیست. ساکنان این زاغه‌ها همان‌گونه که محرومیت و فقر را می‌شناسند، با مفهوم جرم هم بیگانه نیستند. سرقت، نزاع‌های دسته جمعی، اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، تجاوز به عنف و... نمونه‌هایی از این بزهکاری‌هاست.

رشد حاشیه‌نشینی را اگر نتوان نشانه اصلی رشد فقر دانست، اما نمی‌توان از کنار این واقعیت نیز گذشت که هر چه حاشیه‌نشینی گراگردد شهرهای بزرگ کشور گسترده می‌شود، زنگ خطر فقر هم صدایش را رساتر به گوش مسئولان می‌رساند.

7/5 میلیون در کشور؛ 3/5 میلیون در پایتخت

برای کشوری که به روایتی 7/5 میلیون و به روایتی دیگر 5 میلیون نفر حاشیه‌نشین دارد، وقوع جرم و شاخص رو به رشد آن در چنین فضایی که آبستن حوادث و آسیب‌های اجتماعی است، چندان دور از انتظار نیست، در حالی که براساس آمارهای رسمی، این سکونتگاه‌ها 10 درصد مساحت شهری و حاشیه‌نشینان 30 درصد جمعیت شهری کشور را شامل می‌شود. رشد حاشیه‌نشینی را اگر نتوان بارزترین نشانه رشد فقر در جوامع دانست، اما نمی‌توان از کنار این واقعیت نیز گذشت که هر چه حاشیه‌نشینی گراگردد شهرهای بزرگ کشور گسترده می‌شود، زنگ خطر فقر و جرایم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در جامعه بیشتر طنین‌انداز می‌شود. جاذبه رفاه شهرنشینی، حاشیه‌نشین‌ها را از زادگاه خویش جدا می‌کند و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند، اما از آنجا که در شهرهای بزرگ هم جایی برای سکونت ندارند، در حاشیه شهرها ساکن می‌شوند و می‌کوشند خود را به اقتصاد پررونق شهر تحمیل کنند.

آمار 7/5 میلیون جمعیت حاشیه‌نشین کشور در حالی مطرح می‌شود که اعلام سکونت 35 تا 50 درصد جمعیت پایتخت (معادل 3/5 میلیون) در مناطق حاشیه‌ای اطراف تهران بیانگر این است که معضل حاشیه‌نشینی در حاشیه کلانشهرهای کشور به وضعیت بحرانی خود نزدیک می‌شود. از همین‌روست که به گفته شهلا کاظمی‌پور، معاون پژوهشی مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، کلانشهر تهران با جذب 31 درصد از کل مهاجران کشور در صدر شهرهای مهاجرپذیر جای گرفته است و این در حالی است که 22 درصد جمعیت استان تهران مهاجرانی هستند که در مدت سال‌های 75 تا 85 به تهران وارد شده‌اند اما در مقابل آمار بالای مهاجرپذیری، این استان تنها 6 درصد جمعیت خود را به‌عنوان مهاجر به شهرهای دیگر کشور فرستاده است و البته طبیعی است بدون در نظر گرفتن ایجاد جاذبه برای شهرهای مبدأ هیچ سیاستی برای جلوگیری از مهاجرت نتیجه بخش نخواهد بود.

حاشیه‌های جرم خیز

بوی جرم از بستر مهاجرت برمی‌خیزد و در واقع مهاجرت زمینه‌ساز وقوع بسیاری از جرایم محسوب می‌شود. هرچند صدور حکم مجرم بودن برای تمام مهاجران هم کار منطقی و عادلانه‌ای نیست. این موضوع را در اظهارات جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان نیز می‌توان براحتی جستجو کرد.

بیشتر افراد مهاجری که به شهرها روی می‌آورند، شغل ندارند و از نظر اقتصادی هم دچار بحران هستند. از این‌رو برای امرار معاش به

پول نیاز دارند و در چنین بحرانی است که انگیزه‌های ارتکاب جرم مهاجران فراهم می‌شود، به مهاجران ایرانی و غیر ایرانی هم محدود نمی‌شود.

اگرچه ممکن است در شدت جرم میان این دو نوع مهاجر تفاوت قائل شد، اما در اصل موضوع، خدشه وارد نمی‌کند. حاشیه‌نشینی که خود معلول گسترش شکاف طبقاتی، رشد بی‌رویه شهرنشینی و مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ است، از جهات متعدد موجب شیوع بزهکاری‌ها، انحرافات اجتماعی و عوارض ناشی از آنها می‌شود.

این، همان موضوعی است که یک جامعه شناس در گفت‌وگو با «؛جام‌جم» با اشاره به آن می‌گوید: «؛وقتی در شهر محل تولد خود زندگی می‌کنید، افراد زیادی شما را می‌شناسند و شما مواظب رفتار خود هستید و سعی می‌کنید خطایی از شما سر نزنند اما در حاشیه‌ها، اطراف راه آهن و ترمینال‌ها، این ترس می‌ریزد و بستر جرم خیز می‌شود.»

نکته: تشکیل کمیته ویژه بررسی وضعیت حاشیه‌نشینان از سال 85 تاکنون باوجود تمام جلسات کارشناسی، حاصلی جز افزایش حاشیه‌نشینی در اطراف کلان شهرها و بخصوص پایتخت نداشته است
امان‌الله قزایی‌مقدم، حاشیه‌نشین‌ها را این‌گونه معرفی می‌کند: «؛حاشیه‌نشین‌ها کسانی هستند که در تمام کشورهای جهان در حاشیه و اطراف شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و اکثریت قریب به اتفاق آنها مهاجرند. این جماعت به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، ویژگی‌های خاص خود را دارند، بافت فرهنگی متجانسی ندارند و نظارت آنها بر خود یا خودکنترلی در آنها ضعیف است. حاشیه‌نشین‌ها ابتدا در حلی‌آباد یا زاغه زندگی می‌کنند و بعد آنجا را به صورت حاشیه درمی‌آورند، شکل آن را عوض می‌کنند، خانه‌های خود را مرتب‌تر و مستحکم‌تر می‌کنند و بتدریج آنجا را به شهرک، شهر و شهرستان تبدیل می‌کنند.»

به گفته امان‌الله قزایی‌مقدم، حاشیه‌نشینی در اطراف کلانشهرهایی مانند تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و مشهد بیشتر به چشم می‌خورد، این مردم از درآمد اقتصادی پایینی برخوردارند و بیشتر به کارهای اقتصادی غیرمولد مشغولند و جمعی از آنها نیز کارگرند.

قدمت 50 ساله حاشیه‌نشینی در کشور

رشد حاشیه‌نشینی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران شروع شد و نخستین اجتماعات حاشیه‌نشین در جنوب شهر اسکان پیدا کردند، گسترش تأسیسات شهری و شبکه‌های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری شد و از سوی دیگر اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون، دافعه‌های روستایی را تشدید کرد. در یک بررسی گسترده که سال 1351 در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت، مشخص شد که 91 درصد از سرپرستان خانواده‌های حاشیه‌نشین در تهران روستایی بوده‌اند که از این تعداد 72 درصد آنان قبلاً دهقان محسوب می‌شدند و 59 درصد خرده مالک بوده‌اند.

تهران تا شهریور سال ۱۳۵۹ نزدیک به ۱۰هزار و ۴۵۰ خانوار و 4500 آلونک را در خود جای داده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی باوجود تحولات ساختاری و اولویت‌بخشیدن به بخش کشاورزی و توجه بیشتر بر استمرار عواملی نظیر اختلاف سطح دستمزد و امکانات رفاهی بین شهر و روستا، علل دیگری نیز به‌وجود آمد که از آن جمله می‌توان تقسیم زمین در نقاط شهری و افزایش سطح آگاهی روستاییان را نام برد.

در عین حال باید اضافه کرد که با وجود تحولات صورت گرفته و به‌دلیل کافی نبودن امکانات زیربنایی برای ایجاد اشتغال در نقاط روستایی و سیاست‌های اقتصادی خاصی که از اواخر دهه 1360 آغاز شد، مهاجرت به شهرها همچنان ادامه یافت؛ به‌طوری که رشد جمعیت شهری طی دوره 20ساله پیش از انقلاب (یعنی بین سال‌های 55 - 1335) با نرخ رشدی معادل 5درصد افزایش داشت و این روند طی دوره 20ساله بعد از انقلاب (75-1355) با نرخ معادل 4/3 درصد ادامه یافت.

براساس سرشماری سال 1375 حدود یک پنجم جمعیت منطقه کلانشهری تهران در شهرها و شهرک‌های حاشیه‌ای با ساخت و ساز غیرمجاز و غیرمتعارف سکونت یافته‌اند که قطعا این آمار با گذشت حدود 15 سال روند تصاعدي در پیش گرفته است.

کمیته‌ای که فراموش شد!

خرداد 1385، غلامعلی حدادعادل، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، از تشکیل کمیته ویژه‌ای برای مطالعه و بررسی اقدامات انجام شده پیرامون پدیده حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ سخن گفت و وعده داد این کمیته بزودی راهکاری برای حل بحران حاشیه‌نشینی در کشور ارائه دهد.

وی حاشیه‌نشینی را پدیده‌ای مربوط به اسکان نامناسب در سکونتگاه‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده عنوان

کرده و گفته بود: هرچند در کشور ما اوایل انقلاب اقدامات خوبی برای جمع‌آوری حلیه‌آبادها و گودنشین‌های اطراف تهران انجام شد اما با این حال در طول سال‌های گذشته مهاجرتی بی‌رویه از روستاها به سمت شهرهای بزرگ دیده می‌شود؛ به طوری که طبق آمار 15 درصد جمعیت کلانشهرها مشمول تعریف حاشیه‌نشینی می‌شود که این رقم بین 8 تا 9 درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد.

سرانجام با پیگیری و تاکید مجلسی‌ها این کمیته تشکیل شد اما تمام جلسات و بررسی‌های کارشناسی مطرح شده در آن، حاصلی جز افزایش روزافزون آمار حاشیه‌نشینان در 32 شهر کشور و از همه مهم‌تر، پایتخت در برنداشت.

در واقع هرچند این کمیته در روزهای نخست با وعده کنترل مهاجرت به شهرهای بزرگ و افزایش معضل حاشیه‌نشینی در آنها با جدیت کار خود را آغاز کرد اما به مرور زمان کارکرد خود را از دست داد؛ به گونه‌ای که حالا با گذشت 6 سال از فعالیت‌های این کمیته از اقداماتی که تاکنون در این زمینه انجام شده، کمتر سخنی به میان می‌آید.

پروژه ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین کشور آنچنان کند به حرکت لاک‌پشت وار خود ادامه می‌دهد که نمی‌توان حداقل تا 10 سال آینده به اتمام این پروژه امیدوار بود.

حاشیه‌نشینی و افزایش وقوع جرایم در حاشیه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی کشور بتدریج در حال جایی گرفتن در لیست سیاه معضلات کلانشهرهای کشورمان است و این نگرانی وجود دارد که در آینده‌ای نه‌چندان دور، آسیب‌های اجتماعی مبتلا به آن جامعه را تحت الشعاع قرار دهد اما هنوز مسئولان و متولیان، زنگ خطر آسیب‌های اجتماعی ناشی از رشد خزنده پدیده حاشیه‌نشینی در اطراف شهرهای بزرگ را آنچنان که باید، جدی نگرفته و برای آن راهکار مناسبی ارائه نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد تا زمانی که عزم جدی از سوی تمام دستگاه‌های متولی برای ساماندهی به وضعیت حاشیه‌نشینی در کشور وجود نداشته باشد، همچنان این حاشیه‌ها پناهگاه‌های امنی برای مجرمان و بسترهای مناسبی برای وقوع جرم در جامعه خواهند بود.

پوران محمدی / گروه جامعه